

## مجموعه نمایشنامه‌هایی از «دور تا دور دنیا»

مهدی نوید

«تا خود را به چیزی ندادی به کلیت،  
آن چیز صعب و دشوار می‌نماید.  
چون خود را به کلی به چیزی دادی، دیگر دشواری نماند.»  
شمس‌الدین محمد تبریزی



یکی از دغدغه‌های همیشگی من چاپ نمایشنامه بوده و هست. همیشه فکر می‌کنم اجحافی در چاپ نمایشنامه و پخش آن شده و می‌شود. ناشر دوست ندارد در کاری که مخاطب خاص و محدود دارد سرمایه‌گذاری کند. برای همین تصمیم گرفتم تا با ناشری که هم

حرفه‌یی ست در حوزه نشر و هم قوی در حوزه پخش پیشنهاد چاپ نمایشنامه را بدهم، آن هم در قالب یک مجموعه تا شاید دست کم در این شکل و شمایل مخاطبان بیش‌تری را به خود جذب کند. با تینوش نظم‌جو هم که مترجم نمایشنامه است و کارگردان تئاتر در این خصوص صحبت کردم و با هم برنامه‌یی طرح کردیم تا بتوانیم با دقت بیش‌تر و اتکا به دو زبان انگلیسی و فرانسه متون مختلف را تا آن‌جا که در توان داریم با کیفیتی مطلوب به دست مخاطبان برسانیم. کار را با نشر نی شروع کردیم و تا امروز قرارمان بر این بوده که تا حد امکان نمایشنامه‌ها را از زبان اصلی ترجمه کنیم، نه از زبان واسط. اما متأسفانه تا به امروز سه نمایشنامه از این مجموعه بیش‌تر منتشر نشده است؛ باقی نمایشنامه‌ها در انتظار مجوزند و هنوز هیچ خبری از آن‌ها نیست.

اما آن‌چه در ترجمه نمایشنامه، دست‌کم در این سال‌ها، با آن مواجه بوده‌ام و همواره در چالش با آن، بیش‌تر ترجمه‌گفت‌وگوهای مابین بازیگران نمایش بوده است. در ایران ترجمه نمایشنامه، در قیاس با ترجمه رمان و داستان و دیگر متون ادبی، ساده گرفته می‌شود. هنوز که هنوز است مترجم تخصصی تئاتر به معنای واقعی کم داریم، شاید به پنج نفر هم نرسد. همین چیزهاست که هنوز شکل درست محاوره‌نویسی را خوب نمی‌دانیم. هنوز نمی‌دانیم محاوره‌نویسی چیزی نیست در حد شکستن صرف کلمات، بلکه محاوره‌نویسی در نحو زبان است که اتفاق می‌افتد. طی این دو سالی که روی این مجموعه وقت صرف کرده‌ام-کرده‌ایم با مترجمان زیادی برخورد داشته‌ام، عمدتاً جوان و عمدتاً علاقمند به حوزه‌ی تئاتر. اما چیزی که این وسط همه‌اش مرا به خود مشغول می‌کرد و می‌کند از یکسو ضعف کم‌دانشی در فهم ساختار متن اصلی و بیش‌تر پایین بودن دایره‌ی واژگانی فارسی مترجمان است و از سوی دیگر تعجیل و کم‌حوصلگی آن‌ها. مترجم در عین این‌که همیشه به متن اصلی خیانت می‌کند اما در عین حال نقش بازآفرینی آن را نیز به عهده دارد؛ مترجم روایت و قرائت خودش را از متن می‌دهد، پس دقیقاً می‌شود نویسنده متن، شاید حتی کارش دشوارتر از نویسنده متن اصلی باشد. اما هنوز این درک در بین مترجمان ما، خاصه جوان‌ترها، بوجود نیامده است. ترجمه بیش‌تر برایشان یک امر مکانیکی است تا یک کار خلاقه. و همین می‌شود که حالا مثلاً در حوزه‌ی ادبیات نمایشی با این همه سهل‌انگاری مواجه می‌شویم. درست‌نویسی و یک‌دست‌نویسی زبان محاوره هم خود مشکل دیگری است که تا به حال به شکل جدی به آن پرداخته نشده. فقط همین را بگویم و بس که بیش‌تر مترجمان ما به وقت محاوره‌نویسی از ماضی ساده به جای ماضی نقلی استفاده می‌کنند! از ترجمانی که در مجموعه‌ی ادبیات‌نمایشی «دور تا دور دنیا» همکاری دارند، می‌توان اشاره کرد به «شهرام زرگر»، «پژمان رضایی»، «عاطفه طاهایی»، «فرزانه سکوتی»، «امید نیک‌فرجام»، «سایه فراهانی»، «مراد فرهادپور»، «محمدرضا قلیچ‌خانی»، «آهو خردمند»، «مونا مؤیدی»، «سمیرا قرایی» و...